

بخش خصوصی به دلیل نوع و ماهیت نظام انگیزشی اش، بعد مشارکت و همکاری آن در بخش‌های مختلفش به مراتب فعال تر از بخش دولتی ای است که عامل فشل بخشی در سایر بخش‌های اقتصادی است

این مقدمه و با در نظر گرفتن بخش نفت و گاز و پتروشیمی به عنوان اولین و بارزترین مزیت نسبی به عنوان نقطه اتکای کشور می توان به پتانسیل واقعی اتحادیه اوپکس پی برد. در واقع اوپکس از یکسو به دلیل تشکل و بخش خصوصی بودن و داشتن سهم بیش از ۳۰ درصدی در صادرات غیرنفتی و از سوی دیگر به دلیل یکی از مهم ترین رسالت‌هایش که ارتقای کمی و کیفی صادرات نفت و فرآورده های نفتی باشد، در تبدیل بخشی نفتی از تهدید فعلی به فرصت می تواند موتور محرکه باشد و از یکسو با رونق گرفتن این بخش سهم بخش دولتی کاهش یابد و از سوی دیگر با توسعه صنایع ارزآور در این بخش از وابستگی اقتصاد به بخش نفت بکاهد. همچنین در ادامه با کاهش رانتهای غیراقتصادی و افزایش شفافیت در اقتصاد به طور درونزا شاهد کاهش فساد سیستماتیک باشیم. اگرچه ارتقای اتحادیه‌هایی امثال اوپکس در شرایط عادی حکم پیشگیری برای درد فساد را می تواند داشته باشد، ولی در شرایط غیرعادی مانند تحریم ها و وقتی اشخاص شناخته شده مورد تحریم های اقتصادی قرار می‌گیرند می تواند محملی برای تبدیل تهدید به فرصت باشد؛ با توجه به اینکه بعد از گذشت صدسال صنعت نفت ایران، هنوز نتوانسته به تنهایی از پس برداشت میادین نفتی و گاز بر بیاید و برای بهره برداری از این میادین به شدت به سرمایه و دانش نیاز بوده است؛ از سوی دیگر مشکلات مالی وزارت نفت بیش از آنچه که به نظر می آید جدی است. به گونه ای که بعد از امضای توافق هسته ای وزارت نفت با معرفی بسته های ۵ میلیارد دلاری به شرکت‌های داخلی برای توسعه میادین کوچک به نحوی در واقع اقدام به جذب سرمایه داخلی کرده است. از این جهت تشکل هایی مانند اوپکس هم می توانند کانالی برای انتقال تکنولوژی بخش نفت از سمت کشورهای خارجی و هم می تواند کانال جذب سرمایه بخش خصوصی برای بخش عطشان نفت باشد.

انگلیسی: (garbage in garbage out) به معنای این است که اگر ورودی نامعتبر به سیستم داده شود، خروجی به دست آمده نیز نامعتبر خواهد بود. با در نظر گرفتن اقتصاد ایران به عنوان یک سیستم اقتصادی و متغیرهای ورودی که به این سیستم اقتصادی داده شده اند، خروجی این سیستم طبیعتاً افرادی جز بابک زنجانی نخواهند بود؛ چه بسا با در نظر گرفتن عواملی که در ادامه ذکر میشوند، ظهور بابک زنجانی ها، انتظاری کاملاً مورد انتظار خواهد بود. متغیرهای ورودی چون تک محصولی بودن و وابستگی به نفت، در کنار دولتی بودن و تحریم های اقتصادی غرب، فضای سیستم اقتصاد را به طرز مشمئزکننده ای برای فساد مهیا کرده است. وجود هریک از این عوامل به تنهایی، بستری برای پیدایش فساد اقتصادی خواهد بود، چه برسد به اقتصاد ایران که آنچه خوبان همه دارند، را یکجا دارد. باید گفت در آن سوی قضیه طی کردن مسیر توسعه بدون حضور بخش خصوصی ممکن نیست و لازم و ملزوم رهایی از اقتصاد دولتی حضور توانمند و قدرتمند بخش خصوصی در همه عرصه ها و صنایع اقتصادی است. بخش خصوصی به دلیل نوع و ماهیت نظام انگیزشی اش، بعد مشارکت و همکاری آن در بخش های مختلفش به مراتب فعال تر از بخش دولتی ای است که عامل فشل بخشی در سایر بخش های اقتصادی است. با



علی پالار - کارشناس و تحلیلگر اقتصادی

چند نشانه و یک تیر اوپکس

از جمله گزاره هایی که در میان اکثریت احزاب سیاسی و گروه های مختلف فکری اقتصادی در کشور مشترک است و مورد اجماع همه قرار گرفته عبور و تغییر شرایط فعلی اقتصاد ایران با هدف از گذار ورهایی از وابستگی بخش نفت است. در واقع شرایط حال حاضر مبنی بر اقتصاد دولتی آن هم وابسته به نفت، بستری مساعد برای صاحبان عوامل تولید و بنگاهها به منظور طی کردن مسیر توسعه را فراهم نمی کند. در این شرایط کافیست محیط این چنینی با تحریم های اقتصادی روبرو گردد تا به خوبی هرچه تمامتر زمینه های فساد و رانت های غیر اقتصاد را در خود گسترش دهد. برای توضیح بیشتر جا دارد، اصل مشهور «ورودی زباله، خروجی زباله» که در تمام سیستم ها از جمله سیستم اقتصادی یک کشور صادق می باشد، یادآوری گردد. در واقع اصل «ورودی زباله، خروجی زباله» به